



فارسی پنجم در هفت گام

حمیدرضا خداوردی*

تصویرگر: میثم موسوی

تشکیل دهند و برای گروهشان اسم و سرگروه تعیین کنند. هر گروه از ابتدا تا انتهای سال یک برگه پروژه داشت و اعضای آن هم تغییر نمی کردند.

این ظرافت در طراحی چارچوب کلی دو نقطه قوت اساسی داشت: اول اینکه پروژه فارسی ابزار کمکی تدریس شده بود و معنای کلمه‌های جدید هر درس پیش بچه‌ها بود، و دوم اینکه به طرز نشاط‌آوری بچه‌ها را به درس علاقه‌مند کرده بود. به هر درسی که می‌رسیدیم، هر گروه حداقل یک کلمه داشت که گروه‌های دیگر از معنای آن بی‌اطلاع بودند. گروه به درخواست من معنای آن را اعلام می‌کرد و گروه‌های دیگر آن را یادداشت می‌کردند. از آنجا که هر گروه حداقل یک کلمه داشت، درس با اشتیاق و مشارکت جمعی بچه‌ها تدریس می‌شد.

سپری کنند و مهارت‌هایشان را افزایش دهند.

ابتدا تمام کلمات جدید کتاب فارسی پنجم را استخراج کردم. در مجموع دویست و سی کلمه یافتیم. با استفاده از این کلمات، برگه‌های پروژه را به تعداد گروه‌هایی که می‌توانستیم تشکیل بدهیم، درست کردم. این کلمات را طوری در برگه‌ها دسته‌بندی کردم که در هر برگه حداقل یک کلمه از هر درس وجود داشته باشد و در هیچ برگه‌ای کلمه تکراری نباشد. کل کلمه‌های نوشته شده در برگه‌ها، محدوده کل کتاب را پوشش می‌داد.

در کنار درس فارسی، یکی از مفاهیم مهمی که به دنبال نهادینه کردن آن بودم، تمرین کارگروهی بود. برای این هدف، در آغاز سال از بچه‌ها خواستم به دلخواه خودشان گروه‌های چهارنفره

تأسیس کنند و می‌دانستم که از اول مهرماه قرار است با بچه‌های کلاس پنجم درس فارسی داشته باشم. می‌خواستم پروژه‌های طراحی کنم تا با آن بین مطالب و مفاهیم ادبیات فارسی پل بزنم. خیلی دلم می‌خواست که در پایان پروژه، هر کدام از بچه‌ها به راحتی دست به قلم شوند و خلاقانه و بدون تکلف شروع به نگارش کنند.

اکنون سه سالی است که این امر محقق شده و پروژه به اجرا درآمده است. در این مدت، تجربه بر تجربه افزوده‌ام و طرح اولیه را اصلاح کرده‌ام. سه سال پیش، برای اینکه به هدف برسم، لازم بود پروژه را طوری طراحی کنم که بچه‌ها با سپری کردن مراحل آن و حضور در کلاس درس با آن مرتبط شوند و از ابتدا تا انتهای سال کم‌کم خودشان بتوانند مراحل آن را

* معلم پایه پنجم دبستان

پروژه هفت مرحله داشت:

۱

مرحله اول «آشنایی با لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های لغت» بود. در این مرحله، به صورت عمومی بچه‌ها را با نام‌ها و انواع این کتاب‌ها آشنا می‌کردم و علامت‌های اختصاری، چگونگی و اصول استفاده از آن‌ها را آموزش می‌دادم.

۲

مرحله دوم «مترادف‌نویسی» بود. در این مرحله، هر گروه ابتدا کلماتی را که در اختیارش بود براساس چینش فرهنگ لغت منظم می‌کرد و سپس با کمک لغت‌نامه، مترادف آن‌ها را پیدا می‌کرد. این مرحله چندین جلسه طول کشید و هر گروه در جلسات متعدد از لغت‌نامه‌های متفاوت بهره می‌برد.

۳

بعد از پیدا کردن معانی تمام کلمات، مرحله سوم یعنی «متضادنویسی» شروع می‌شد. هر گروه با کمک فرهنگ لغت و با توجه به مترادف کلمات، برای کلمات در اختیار خود مخالف و متضاد می‌نوشت.

۴

یکی از عوامل بسیار مهم در نوشتن صحیح و دقیق کلمات، به

خصوص در املای تقریری، آشنایی با کلمات هم‌خانواده است. در مرحله چهارم، بچه‌ها به «نوشتن هم‌خانواده کلمات» روی می‌آوردند و البته که در این بخش، اصول هم‌خانواده‌نویسی را هم به آن‌ها آموزش می‌دادم. در این مرحله، دانش‌آموزان به صورت ضمنی با وزن‌های عربی هم آشنا می‌شدند.

۵

مرحله پنجم زمان شکوفایی استعداد بچه‌ها در «نوشتن» بود. بعد از ایجاد یک دایره وسیع از کلمات و معانی، و متضادهای و هم‌خانواده آن‌ها، هر گروه مشغول نویسندگی می‌شد و داستانی را با همکاری تمام اعضای خود پدید می‌آورد. در این مرحله، داستان‌ها سر کلاس خوانده می‌شدند و بعد از امتیازدهی من و سایر دانش‌آموزان، گروه‌ها رتبه‌بندی می‌شدند. ملاک‌های امتیازدهی از طرف من مواردی نظیر رعایت اصول نگارشی، انتخاب عنوان مناسب، درست‌نویسی و رعایت قواعد املای فارسی، شروع و پایان مناسب، انسجام متن و محتوای داستان، نتیجه‌گیری، به‌کارگیری آرایه‌های ادبی متناسب و استفاده دقیق از علامت‌های نگارشی بود. این مرحله با بروز خلاقیت‌ها و پیدایش حس توانمندی و خودباوری در بچه‌ها در امر نویسندگی با شغف و نشاط خاصی همراه بود.

۶

املای تقریری در فارسی نقشی مهم دارد. به همین دلیل، «املانویسی» مرحله ششم پروژه بود. طی آن سه

گروه برتر، از متن‌ها و کلماتی که کل بچه‌ها به آن‌ها دست پیدا کرده بودند، به سایر دانش‌آموزان املا می‌گفتند. سپس خودشان برگه‌های املا را تصحیح می‌کردند و نمرات را تحویل می‌دادند.

۷

مرحله هفتم که مرحله نهایی پروژه نیز بود، «آشنایی با تاریخ ادبیات» بود. در این مرحله، به هر گروه یک شعر داده می‌شد که شاعر آن مشخص نبود. گروه‌ها باید ابتدا نام شاعر را پیدا می‌کردند و سپس مختصری از زندگی‌نامه و نام آثار او را می‌نوشتند و برای دیگر گروه‌ها می‌خواندند. مرحله هفتم، با توجه کردن به شعر و تاریخ ادبیات، پل اتصال به مفاهیم سال‌های بعدی را می‌ساخت.

هر سال با شروع سال تحصیلی، همراه با دانش‌آموزانم در کلاس پنجم، بعد از هر دو یا سه درسی که از کتاب می‌خواندیم، به سراغ پروژه می‌رفتیم و کم‌کم آن را پیش می‌بردیم.

رضایت و شور و شوق بچه‌ها در مراحل پروژه مهر تأییدی بود بر درستی و حسن اجرای آن. با این پروژه توانستم بین حوزه‌های آموزش فارسی پنجم پل بزنم و خوش‌حالم که توانستم با دانش‌آموزانم هفت‌خوانی بسازم به یادماندی.

حالا که سه سال از اجرای پروژه فارسی گذشته است و نتیجه و ثمره اجرای آن را در اشعار و مقاله‌ها، نمایش‌نامه‌ها، متن‌های ادبی و داستان‌هایی که دانش‌آموزانم می‌نویسند مشاهده می‌کنم، برای اجرای پرتوان‌تر آن انگیزه بیشتری پیدا کرده‌ام و به جای خالی اجرای آن در پایه‌های دیگر دبستان می‌اندیشم.